

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشویق زنان به بخشش مال، غذا و لباس

مؤلف: مریم السالم

مترجم: پدram اندایش

نام کتاب: تشویق زنان به بخشش مال، غذا، لباس

مؤلف: مریم السالم

مترجم: پدram اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

مقدمه:

شکر و ستایش برای الله یکتا است و صلوات و سلام بر کسی که پیغمبری بعد از او نخواهد آمد، همان پیامبر ما محمد و بر آل و اصحابش و کسی که به هدایت او هدایت شود و در پی او برود...

و اما بعد...

از رسول الله ﷺ به ثبت رسیده است که او به تقوای از الله ﷻ امر نمود و به اطاعت از وی تشویق کرد و مردم را در روز عید، پند و موعظه داد، گذشت تا آن که زنان آمدند و آنها را پند داده و متذکر شد و فرمود: «تصدقن فإن أكثرهن حطبُ جهنم» (صدقه دهید که بیشتر شما هیزم آتش جهنم می‌باشید) زنی با گونه‌های سیاه در بین زنان ایستاد و گفت: برای چه ای رسول الله؟! فرمود: «لأنكن تُكثرن الشكاة وتكفرن العشير» (زیرا شما زیاد شکایت می‌کنید و ناسپاسی شوهر را بجا

می‌آورد). در اینجا بود که آنها با جواهراتشان شروع به صدقه دادن کردند و آن را در لباس بلال رضی الله عنه جمع آوری نمودند و آن شامل گوشواره‌ها و انگشترهای آنان بود^(۱).

علماء از این حدیث استنباط کرده‌اند: «پند دادن زنان و آموزش احکام اسلام به آنها و متذکر شدن آنان به اموری که برایشان واجب است و تشویق کردن آنها به صدقه دادن و مجلسی جداگانه برای آنها تشکیل دادن، مشروع است»^(۲).

برای تهیه این مطلب متواضعانه کوشش نموده‌ام تا یادآوری برای خواهران مسلمانم باشد و آن این است که صدقه دهند و در راه الله تعالی بخشش و انفاق

(۱) متفق علیه.

(۲) نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتهی الأخبار از إمام الشوکانی (۱۲۳/۶، ۱۲۴) دار الجبل.

نمایند. همچنین واجبی را گوشزد کنم که چیزی نمانده تا مادیات زندگی و مشغولیت‌های آن باعث شود تا این امر فراموش شود. هدف این است که آنان به انفاق تشویق شوند تا به اجرای بزرگ و ثوابی زیاد دست یابند. از این دعوت خود امید دارم تا از کسانی شوم که به غذا دادن به فقیر تشویق می‌کنند و همچنین از کسانی شوم که خواهران خود را به انفاق و بخشش امر می‌نمایند. تا در واقع از کسانی نباشیم که خساست می‌کنند و مردم را به خساست و انفاق نکردن امر می‌کنند و آنچه را که الله تعالی از روز فضلش به آنها داده است را پنهان می‌دارند و در نتیجه‌ی آن مستحق گرفتار شدن به خشم الله تعالی و عذابی خوار کننده می‌شوند.

امید است که به این ترتیب به امر الله ﷻ عمل نماییم و از کسانی شویم که در نیکی و تقوا به یکدیگر کمک می‌کنند و یکدیگر را به حق و صبر، توصیه می‌-

نمایند و همچنین از کسانی شویم که پیامبر ﷺ ما را به بدنی واحد توصیف فرموده است. همان طور که می-دانیم، رسول ﷺ، شخصاً زنان را موعظه می‌داد و آنان را در زمان وجود بهترین انسانها و بهترین و باتقواترین زنان، [به انجام کار خیر] متذکر می‌شد، در همان زمانی که قلبها فقط به آخرت تعلق داشت... در نتیجه نیاز ما امروز به پنددهندگان که تعداد آنها کم می‌باشد، بیشتر می‌شود، در زمانی که دوست داشتن دنیا قلبها را مشغول خود کرده است و فتنه‌ها و فسادهای زیادی در بین بسیاری از زنان مسلمان، ایجاد شده است و این امر به سرخ هر کسی می‌رود، مگر کسانی که مورد رحمت الله تعالی واقع شده‌اند.

از الله تعالی درخواست می‌نماییم تا عمل ما را خالص برای صورت گرامی خودش قرار دهد و توسط آن به مردان و زنان مؤمن منفع برسد.

برای چه زنان؟

اصل در انجام اعمال دینی این است که مرد و زن در آن یکسان می‌باشند و جدا کردنی در آ وجود ندارد. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اُجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷] (کسی که در حالی که مؤمن است، عمل صالح انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، زندگی پاکی را برای او مقرر می‌نماییم و پاداش آنان را بیشتر از آنچه انجام داده‌اند، برای آنها مهیا می‌سازیم).

ولی آنچه در این مطلب باعث شده است تا ما به تشویق زنان دعوت دهیم و تأکید خود را بر بخشش، عطا نمودن و انفاق آنها قرار دهیم، چند دلیل می‌باشد:

۱- نیاز دعوت برای کسی که دارای مال است:

گاهی زنانی را می‌یابیم که دارای اموال بیشتری نسبت

به مردان می‌باشند. در نتیجه واجب است تا این اموال برای خدمت به اسلام و مسلمانان و یاری دادن دعوت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. امالمؤمنین خدیجه رضی الله عنها در این باره ی الگوی نیکی برای ما می- باشد؛ با تمام مالی که داشت، دعوت اسلامی را یاری داد تا آنجا که دارای ثروت زیادی بود و با انفاق کردن آن به فقیرترین افراد قریش تبدیل شد^(۱).

قریش رسول الله ﷺ و أصحابش را در دره‌ای محاصره نمود تا آنجا که اموال خدیجه رضی الله عنها تمام شد و چیزی از آن باقی نماند و در همان زمان بود که مسلمانان در آن دره از گرسنگی می‌مردند^(۲).

(۱) رجوع شود به أعلام النساء فی عالمی العرب والإسلام عمر رضا کحالة (۱۰۷/۱).

(۲) رجوع به قصه‌ی الحصار در کتابهای سیره مانند سیره‌ی ابن هشام یا ابن کثیر.

آن تجارت بزرگ کجا رفت، همان تجارتی که برابر تمامی آنچه در دست قریش بود، می‌بود؟! شکی وجود ندارد که آن در راه الله تعالی از بین رفت، البته باید گفت، برای روزی ذخیره شد و باقی ماند که نه مال سود می‌دهد و نه فرزند.

۲- غفلت زنان در بسیاری زمانها از بخشش و انفاق کردن.

زیرا آنها به مسائل خانه و مسئولیت‌های شوهرداری و فرزندداری مشغول می‌شوند و لازم است تا کسی پیدا شود و به آنان یادآوری کند.

۳- گاهی زنان دارای مال، جواهرات زیاد و انواع پوشیدنی‌ها و خوراکی‌هایی می‌باشند که بیشتر از نیاز آنان است و باید برای انفاق کردن آنها دعوتی وجود داشته باشد تا به دست نیازمندان و تهی‌دستان برسد. ثبت شده است که رسول ﷺ به زنان امر می‌نمود

تا حتی به اندازه‌ی زیوری صدقه دهند: «تصدقن یا معشر النساء ولو من حُلِیْکُنَّ...»^(۱) (ای گروه زنان! صدقه دهید، حتی به اندازه‌ی یک زیورآلات...).

۴- زنان دارای عاطفه‌ی قوی می‌باشند: این عاطفه باعث بخشش و عطا کردن می‌شود و باعث می‌شود و احساس او، وی را به دادن مال به ضعیفان و تهی‌دستان تحریک می‌کند و در اینجا است که زنان فقط به یک یادآوری نیاز دارند. باید توجه داشت که در زنان مسلمان خیر زیادی وجود دارد و این امر باید مورد توجه دعوتگران قرار گیرد تا از این عاطفه‌ها در جاهای خیر استفاده شود.

آنچه یادآوری این امر را تأکید می‌کند، این است که قلبها ضعیف شده‌اند و از مسائل آخرتی باز مانده‌اند و به دنیای فانی تعلق خاطر پیدا کرده‌اند. اگر به انفاق

(۱) بخاری (بخاری) در الزکاة (۲/۲۵۹، ۲۶۰).

مال توسط زنان در زمان رسول ﷺ و زمان صحابه رضی الله عنهم نگریسته شود و با دنیای امروز مورد مقایسه قرار گیرد، فرق بسیار زیادی بین آنها مشاهده می شود.

از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که در یک روز صدهزار [درهم] صدقه داد و این در حالی بود که در آن روز، روزه بود. خادمش به او گفت: به علت صدقه ای که دادی، دیگر نمی توانیم با درهمی گوشتی بخریم و با آن افطار نمایی. گفت: اگر به [قبل از آن] به یاد من می آوردی، این گونه رفتار می نمودم^(۱). کرامت زیادی او باعث شد تا فراموش کند که به غذا نیاز دارد. او در این حالت روزه داشت، ولی روزه ای او، او را به یاد نیازمندان انداخت تا تمامی آنچه را که نزدش بود برای کسب آنچه نزد الله عز و جل می باشد، انفاق نماید.

(۱) الإصابه فی تمیز الصحابة از ابن حجر (۴/۳۵۰).

ای خواهر ما!

آیا گرسنگی و تشنگی را در حالت روزه داری
چشیده‌ای، آیا احساس کرده‌ای که صدها نفر وجود
دارند که در مدت زمانی طولانی این‌گونه می‌باشند و
بعد خود را به تکه نان و مقداری آب سیر می‌نمایند.
شما زمان معلومی را روزه می‌گیرد و در هنگام تمام
شدن روزه‌تان چیزهایی را می‌خورید که آنها ر در زمان
روزه گرفتن، انفاق نمی‌کنید. از این به بعد از خودتان
سوال کنید! اگر روزه اعث نشود که ما از حال
برادرانمان باخبر شویم، اید به خودمان بازگردیم و
عملی انجام دهیم که ما را اصلاح می‌کند، زیرا روزه
گرفتن باید معنایی در زندگی داشته باشد.

مورد دیگری که از بخشش زنان در زمان
رسول ﷺ آمده است، حیدثی است که اُمُّ سَنان الأَسلَمیة
رضی الله عنها از غزوه‌ی العُسرَة بیان داشته است، گفته

است: «در خانه‌ی عایشه رضی الله عنها، لباسی را دیدم که پهن شده بود و در آن مشک، بازوبندها، خالخالها، گوشواره‌ها و انگشترهایی وجود داشت و آن پُر از چیزهایی بود که زنان آن را برای تجهیز مسلمانان، انفاق کرده بودند»^(۱).

این حال زنان صحابه رضی الله عنهن بوده است و این در حالی است که زنان امروز نیاز دارند که مدتی طولانی درباره‌ی این موضوع با آنها صحبت شود تا به بخشش و انفاق تشویق شوند و نیاز دارند تا حال و هوای خواهران نیازمند ما برای آنها بیان شود و یادآوری شود که این انفاق کردن واجب می‌باشد و هر چه تأکید بر این امر با وسایل صوتی و تصویری بیشتر

(۱) مطابق مرجع هفتم (۱۳۸).

شود، بخشش و انفاق نیز بیشتر می‌شود^(۱) و این امر حال زنان امروز را بیان می‌دارد.

نمونه‌ای یگانه در زمان جدید ما:

در سال گذشته نمایشگاهی برپا شد که در آنها احوال مسلمانان و مشکلات آنها در معرض نمایش گذاشته شد^(۲)، این نمایشگاه دارای وسایل صوتی و تصویری بود که حقیقت مشکلات را بیان می‌داشت. تصویرهایی در آن به نمایش گذاشته شد که انواع هلاکت، دوری، پراکندگی و بدبختی را نشان می‌داد. در این زمان بود که زنانی که به دیدار نمایشگاه آمده بودند،

(۱) این در هر حالی نمی‌باشد؛ زیرا زنان مسلمان و راستگویی وجود دارند که آشکارا و نهان انفاق می‌کنند و این نتیجه‌ی انجام مراقبه و رغبت داشتن به آنچه نزد الله تعالی از اجر و ثواب است می‌باشد.

(۲) این نمایشگاه را الندوة العالمية للشباب الإسلامی در شهر ریاض سال ۱۴۱۰ هـ ق به اسم «جراحات العالم الإسلامی» برپا نمود و این نمایشگاه در جاهای مختلف مملکت نیز برپا خواهد شد.

اشک از چشمانشان جاری شد و از روی درد و دلسوزی گریه نمودند و در قلبها برای آن که مسلمان دچار مشکل شده، فراموش شده بودند، احساس حماقت و بی‌تابی ایجاد شد، همان کسانی که کوچکترین آشنایی با مشکلات آنها وجود نداشت.

در این موارد است که ایمان قوی می‌شود و قدرت شیطان از بین می‌رود. در همین مکان بود که زنان علاقه‌ی خود را به زیورآلات – هر چقدر که گران باشند – را فراموش می‌کردند و زیورآلات و د را در صندوق‌های جمع‌آوری مال می‌انداختند و در این حالت بود که هوای نفس و شیطان سنگسار می‌شدند و درون تلق‌خاطر خود را به زینت این دنیای فانی از دست می‌داد^(۱).

(۱) برای همین بر دعوتگران و اهل خیر و مؤسسات دعوی واجب است که کوشش نمایند که تصویری صادقانه و حقیقی از احوال مسلمانان

۵- امر دیگری که ما را بر آن می‌دارد که بر زنان تأکید داشته باشیم و آنان را بر بخشش و انفاق کردن، تشویق کنیم: ما زنان مال زیادی را برای زیورآلات، لباس و کمالیات خرج می‌کنیم. اگر ما نصف این مالی را که خرج می‌کنیم، به برادران محتاج خود بدهیم، در این صورت است که در جهان اسلام دیگر به

و زخمهای دنیای اسلامی را به مردم پرسیانند و برای این امر از وسایل استفاده کنند که برای بیدار کردن جانها و تحریک همتها مید باشد. این چنین قبول نمودنها از طرف مردم دلیل محکم و صادقانه برای ما می‌باشد که ما در حق اسلام خودمان و عمل به دینمان اصلاح امت خود کوتاهی می‌کنیم. زیرا قلبها برای قبول این موارد و شنیدن آن گشوده می‌باشند و از قدیم گفته شده است: «این امت شامل معدنهایی از قلب می‌باشد و چیزی بر آن پرده نمی‌اندازد، مگر غبار زمان» پس با دستانمان از این قلبها غبارزدایی می‌کنیم تا به مانند شکوفه‌ها درخشان شوند و از آنها غبار غفل و قسوت را پاک می‌کنیم تا به فطرت پاک و صاف خود بازگردند.

این تعداد زیاد فقیر، محتاج، یتیم و معدوم^(۱) باقی نمی‌ماند.

ولی حقیقت این گونه است که زنان مسلمان -
الله تعالی آنان را هدایت نماید - از فرهنگ بی‌ارزش
غرب تبعیت می‌کنند و بدون حرف شنوی و درک
داشتن، به دنبال آنها به راه می‌افتند. در این حالت است
که غرب نقش و نگار خود را بر بعضی از زنان ما
حکمفرما می‌کند و در این هنگام است که زنان به
رنگهای تند و چشم آزاری لباس می‌پوشند و می‌گویند:
«این رنگها فسفوری است». زنان ما اولین کسانی هستند
که آن لباسها را می‌پوشند و آن را پیشرفت می‌نامند. اگر

(۱) معدومان کسانی هستند که دارای خانه و مسکنی نمی‌باشند و از فقیران
و مساکین بیچاره‌تر می‌باشند، زیرا آنها مالک هیچ چیز نیستند و
توصیفی ندارند، مگر آن که بر روی زمین می‌خوابند و لحاف آنها
آسمان است.

از یکی از آنها پرسیده شود که معنای فسفری چیست؟ خواهد گفت: نمی‌دانم. شاید به خاطر همین امر است که در احادیث آمده است، بیشتر تبعیت کنندگان از مسیح دجال زنان می‌باشند^(۱). از الله تعالی در امان ماندن را مسألت می‌نمایم.

۶- زنان نیاز بیشتری به صدقه دادن و بخشش کردن دارند، زیرا رسول ﷺ آنان را به شکلی جداگونه توصیه نموده است: «یا معشر النساء تصدقن وأکثرن الاستغفار فإنی رأیتکن أكثر أهل النار..»^(۲) (ای گروه

(۱) ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ینزل الدجال فی هذه السبحة بمر قنائة فیکون أكثر من یرج إلیه النساء...» (دجال در این شوره‌زار به مانند عبور قناتی نازل می‌شود و بیشترین کسانی که به سمت او می‌روند، زنان می‌باشند...) امام أحمد آن را آورده است، نگاه شود به مجموع أخبار آخر الزمان وأشرار الساعة، از عبد الله المشعلی (۲۵۰) دار المنار.

(۲) صحیح مسلم کتاب الإیمان (۸۶/۱) حدیث رقم (۷۹).

زنان! صدقه بدهید و زیاد استغفار نمایید که من شما را بیشترین نفر اهل آتش جهنم دیده‌ام). وقتی آنان بیشترین اهل آتش جهنم می‌باشند، برای آنها واجب است تا به اعمال صالح اشتیاق بیشتری نشان دهند، تا توسط آنها خود را از آتش جهنم نجات دهند.

۷- در مجالس زنانه غالباً غیبت و خبرچینی

وجود دارد:

از آنجا که آنان به فرزندان بیشتر دشنام می‌دهند و بر علیه آنان، دعا می‌کنند و تمامی این موارد از خطا محسوب می‌شود. پس باید این خطاها با صدقه خاموش شود، همان گونه که پیامبر ﷺ به معاذ رضی الله عنه فرموده است: «هل أدلك على أبواب الخير؟» (آیا تو را به بابهای خیر راهنمایی نکنم؟) گفت: بله، فرمود: «الصوم جنة، والصدقة تطفئ الخطيئة كما يطفئ الماء النار» (روزه سپر است و صدقه خطاها را پاک می‌نماید، همان

گونه که آب، آتش را خاموش می‌کند)^(۱).

۸- اگر زنی صدقه دهد و یا در راه الله تعالی انفاق کند، الگویی نیکو برای فرزندان، برادران، همسایگان و تمامی افرادی که اطراف می‌باشند، می‌شود؛ زیرا زنان دارای حسادت زنانه می‌باشند و این باعث می‌شود تا بر انجام کار خیر حسادت کنند و این امر آنان را به سوی رقابت نیکو سوق می‌دهد.

۹- در احادیثی از پیامبر ﷺ آمده است که برای زن مباح می‌باشد تا از مال شوهرش صدقه دهد و انفاق نماید و در پس آن اجر ببرد و این در حالی است که مفسده‌ای به وجود نیاید و شوهر اجازه دهد. عایشه رضی الله عنها آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ زَوْجِهَا غَيْرَ مَفْسُودَةٍ كَانَتْ لَهَا

(۱) حدیث صحیح (انظر صحیح الترغیب والترهیب للألبانی) کتاب

الصدقات (۱/۳۶۳) حدیث رقم (۸۶۲).

أجرها بما أنفقت ولزوجها أجره بما كسب وللخازن مثل ذلك، لا ينقص بعضهم من أجر بعض شيئاً»^(۱) (اگر بدون ایجاد مفسده، زن از غذای شوهرش، انفاق کند، برای آن زن اجری برای آنچه انفاق کرده است می‌باشد و همچنین برای شوهرش نیز اجری خواهد بود و برای خزانه‌دار نیز این گونه است و [اجر بردن] کسی از آنها اجر کسی دیگر را کم نمی‌کند).

همچنین ثبت شده است که أسماء بنت ابی بکر رضی الله عنهما گفت: ای رسول الله! چیزی دست مرا نمی‌گیرد، مگر آن چیزی که زیر ﷺ به من می‌دهد، آیا با آن چیزی که به من می‌دهد، صدقه‌ی کمی بدهم؟ فرمود: «ارضخی ما استطعت ولا توعی فیوعی الله علیک»^(۲) (تا آنجا که توانستی هر چند کم صدقه بده! و

(۱) جماعت آن را روایت کرده‌اند، نگاه شود به نیل الأوطار (۶/۲۱۱).

(۲) متفق علیه.

از انفاق کردن خودداری نکن که در نتیجه‌ی آن الله [تعالی] تو را از فضل و بخشش خودش بی‌نصیب می‌گرداند).

فصل: فایده‌های صدقه

شکر و ستایش برای الله است که بالا و دانا می‌باشد، او بی‌نیاز بزرگی است که در کتاب نازل شده‌ی بارزش خود می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۹۲] (هرگز به نیکی نمی‌رسید مگر از آنچه دوست دارید، انفاق نمایید و چیزی را که انفاق می‌کنید، الله [متعال] به آن آگاه است). همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَخْلُ فَإِنَّمَا يَخِلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ﴾ [محمد: ۳۸] (و کسی که خساست بورزد و از انفاق خودداری کند، فقط برای خودش خسیسی کرده است و الله بی‌نیاز می‌باشد و شما هستید که فقیر

می‌باشید)

صلوات و سلام بر پیامبرِ هدایت، رحمت، بخشش و انفاق که درباره‌ی فضیلت صدقه فرموده است: «من تصدق بعدل - أى بمقدار - ثمرة من كسب طيب - ولا يقبلُ الله إلا الطيب - فإن الله يقبلها بيمينه ثم يربّيها لصاحبها كما يُربّي أحدكم فلهو - أى مُهره - حتى تكون مثل الجبل»^(۱) (کسی که به اندازه‌ی یک خرما که از راه پاک بدست آمده باشد - و الله جز پاکی را قبول نمی‌نماید - انفاق کند، الله [تعالی] آن را با دست راست می‌گیرد و آن را برای عطا کننده‌اش بزرگ می‌نماید، همان گونه که یکی از شما کره اسب خود را بزرگ می‌کند، تا آن که آن [دانه‌ی خرما] به اندازه‌ی کوه

(۱) متفق علیه.

می شود^(۱).

شکر و ستایش برای الله است، چه آن که برای صدقه‌ای اجری زیاد و خیری عمومی قرار می‌دهد که پیامبر دوست داشتنی و برگزیده ﷺ ما را به آن راهنمایی فرموده است. علماء نیز درباره‌ی فایده‌های دنیایی و آخرتی صدقه، سخنان زیادی را به زبان آورده‌اند و آن بر اساس آگاهی می‌باشد که رسول الله ﷺ آن را به ما رسانده است. آن موارد این گونه می‌باشند:^(۲)

اول: زیاد شدن ثواب صدقه و بزرگی اجر آن و

(۱) خواهرم آیات و احادیثی که در آنها رسول الله ﷺ درباره‌ی فضیلت صدقه، بخشش و انفاق صحبت نموده است را برای خودت جمع آوری کن، تا آنکه به سخاوتمندی بازگردی.

(۲) قسمتی جدا شده از تعلیق استاد مصطفی محمد عماره بر الترغیب والترهیب امام منذری (۲۴/۲، ۲۵) می‌باشد. دار إحياء التراث العربی - بیروت لبنان (باید دانست که حدیثی را در آن نیآورده‌ام، مگر آن که سندش صحیح باشد).

ذخیره شدن آن نزد خداوند بی نیاز و بسیار بخشنده، همان گونه که در حدیث گذشته آمد: «یقبلها بيمينه ثم یُربیها» (آن را با دست راست خود می گیرد، سپس آن را بزرگ می کند).

دوم: الله تعالى در مالی که باقی مانده است، برکت قرار می دهد: در نتیجه ی آن مصیبت ها از او دور می شود و مال صدقه دهنده زیاد می شود، همان گونه که در حدیث آمده است: «ما نقصت صدقة من مال» (صدقه چیزی از مال کم نمی کند).

سوم: صدقه باعث زیاد شدن روزی و رسیدن یاری و پیروزی از طرف الله تعالى و عنایت او نسبت به صدقه دهنده می شود.

چهارم: الله تعالى برای صدقه دهنده، اموری را مسخر می نماید، تا آب فراوان شود و همچنین صدقه باعث کمک شدن، ایجاد مال و محبت دوستان می شود،

همان گونه که در صحیح مسلم آمده است: مردی صدایی را از طرف ابری شنید که می‌گفت: باغ فلانی را آبیاری کن! و این برای آن بود که او یک سوم [دارایی-اش] را صدقه داده بود.

پنجم: صدقه، صدقه دهنده را از آتش جهنم دور می‌کند و شخص را از تنگی دنیا و آخرت رهایی می‌دهد، پیامبر ﷺ فرموده است: «اتقوا النار ولو بشق تمره» (از آتش جهنم تقوا پیشه کنید، حتی به اندازه‌ی [صدقه دادن] یک نصف خرما).

ششم: صدقه خطاها را پاک می‌کند و پرونده‌ی اعمال صدقه دهنده را از پلیدی‌ها می‌شوید و آن را از گناهان پاک می‌گرداند، همان گونه که آمده است: «والصدقة تطفي الخطيئة» (و صدقه باعث خاموش شدن خطا می‌شود).

هفتم: صدقه جلوی مصیبت‌ها را می‌گیرد و از اتفاقات بد جلوگیری می‌کند و باعث نیکویی پایان گرفتن عمر و دفع شدن عواقب ناگوار می‌شود.

هشتم: صدقه ذره‌ای محکم می‌باشد که نیکوکار آن را می‌پوشد و آن صدقه او را از حوادث روزگار و وقایع زمانی حفظ می‌نماید.

نهم: صدقه به مانند درختی است که انسان نیکوکار خود را در سایه‌ی او قرار می‌دهد: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۳۱] (روزی که هر شخصی آنچه از خیر انجام داده است را حاضر می‌یابد و کسی که عمل بی انجام داده باشد، دوست دارد تا بین او و آن [عمل بد] فاصله‌ی زیاد ایجاد شود و الله شما را از خودش می‌ترساند و الله به بندگان مهربان است).

در حدیث آمده است: «کل امرئ فی ظل صدقه حتی یُقضى بین الناس» (هر انسانی [روز قیامت] زیر سایه صدقه‌ی خود می‌باشد تا وقتی که بین مردم حکم‌رانی تمام شود).

دهم: صدقه‌ی قلعه‌های شیطانها را ویران می‌کند: قیدهای آنها را باز می‌کند و از حیل‌های آنها جلوگیری می‌کند و جلوی ستم آنها را می‌گیرد. برای همین است که وقتی انسان انفاق می‌کند، شیطان او را وسوسه می‌نماید و با خساست، آزمندی و وعده‌ی فقر یا آن که آن گدا به آن مال احتیاجی ندارد، او را از صدقه دادن منع می‌کند و تمامی این موارد از امور شرّ می‌باشند.

پس کسی که صدقه دهد، خود را از غل و زنجیر شیطان رهایی می‌دهد و خودش را از وسوسه‌های او پاک می‌کند و در نتیجه‌ی آن الله تعالی به او انفاق می‌کند و الله متعال او را از آزار شیطانها و شرّ آنها

حفظ می‌نماید. الله تعالی از زبان شیطان می‌فرماید:

﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ * قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الأعراف: ۱۶-۱۸] (گفت: از برای شری که برای من قرار دادی، برای آنها در مقابل راه مستقیم تو می‌نشینم * سپس از جلوی آنها و پشت سر آنها و از سمت راست آنها و از سمت چپ آنها به سمت آنان می‌روم و بیشتر آنها را شکرگزار نمی‌یابی * [الله تعالی] فرمود: از اینجا نکوهش شده و طرد شده خارج شو! هرکس که از تو تبعیت کند، جهنم را از همگی شما پُر می‌کنم).

یازدهم: صدقه^(۱) به اذن الله تعالى باعث ایجاد برکت در عمر می شود و باعث حفظ شدن سلامتی شخص می شود و برای او با دیگران سازگاری و جلب محبت به وجود می آید و برای شخص قلعه های محکمی به وجود می آید که در نتیجه ی دعای خیر فقیران برای او می باشد، در نتیجه ی وجود آن قلعه، از هر ستمگری حفظ می شود و باعث راحتی آن شخص می شود. روزی را یادآور شوید که مرگ به سراغ انسان می آید و جان به گلوگاه می رسد و ملائک مرگ به او می گویند: کدامیک از شما روح او را بالا می برد و کسی که در حال مرگ است می فهمد که زمان جدایی فرا رسیده است و می خواهد ساقهای خود را به هم بزند و این درحالی است که توانایی حرکت دادن آنها را ندارد. در

(۱) باید آگاه بود که لفظ صدقه به هر کار نیکی اطلاق می شود (نگاه شود

به صحیح مسلم در الزکاة (۱۰۰۶).

اینجاست که شدت جدایی از دنیا یا شدت ترس از آخرت ایجاد می‌شود، برای چه؟

زیرا او صدقه نمی‌داد و مالش را پاک نمی‌کرد و حق الله تعالی را در نماز و دیگر امور ادا نمی‌کرد و مصداق چنین شخصی همین سخن الله تعالی می‌باشد:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ * وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ * تَتَنُحُّنُ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ * كُلًّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي * وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ * وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ * وَالتَّقَتِ السَّاقُ * بِالسَّاقِ * إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ * فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى * وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ [القیامة: ۲۲-۳۲] (در آن روز چهره‌هایی شاد هستند * و به پروردگارشان نگاه می‌کنند^۱ * و صورتهایی در آن روز در هم کشیده می‌باشند * یقین دارند که مصیبتی کمر شکن به آنها می‌

^۱ - اگر «نَظَرٌ» با «الی» همراه شود، به معنای دیدن با چشم سر می‌

رسد * هرگز، بلکه وقتی [روح] به گلوگاه برسد * و گفته شود: چه کسی او را بالا می‌برد؟ * و یقین پیدا می‌کند که زمان جدایی [از دنیا فرا رسیده است] * و پاها جفت گردند * در آن روز همه به سوی پروردگارت روانه می‌شوند * [و این برای آن است که] او تصدیق نکرد^۱ و نماز نخواند * بلکه تکذیب نمود و روی برگرداند).

پس برای کسی که این فضیلت را می‌داند، واجب است تا برای آموزش آن به دیگران تلاش نماید، زیرا راهنمایی کننده به چیز خیر، ثواب انجام دهنده‌ی آن خیر را می‌برد، [بدون آن که از ثواب انجام دهنده چیزی کم شود].

^۱ - صدقه دادن نوعی از تصدیق کردن سخن الله تعالی و فرستاده‌اش می -

راه این است: ای خواهر ما! اگر می خواهی اجر
بزرگی نصیب شما شود، از اینجا شروع کن!

اول: بخشش مال

الله ﷻ درباره‌ی کسانی که در راه او مالهایشان را
انفاق می کنند، می فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة:
۲۶۲] (کسانی که مالهای خود را در راه الله [تعالی] انفاق
می کنند، سپس برای آنچه انفاق کرده اند، متنی نگذاشته
و آزاری نمی دهند، اجر آنها نزد پروردگارشان می باشد
و [در بهشت] ترسی برای آنها وجود نخواهد داشت و
آنان غمگین نخواهند شد). همچنین الله تعالی در
توصیف بندگان متقی اش می فرماید: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ
الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَفِي
أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [الذاریات: ۱۷، ۱۹]

(آنان قسمت کمی از شب را می‌خوابیدند * و در سحرها طلب آمرزش می‌کردند و در مالهای آنها حقی برای گدایان و محرمان وجود داشت). همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۴] (کسانی که مالهایشان را در شب و روز به صورت پنهانی و آشکار انفاق می‌کنند، اجر آنها نزد پروردگارشان می‌باشد و ترس و غمگینی برای آنها وجود ندارد).

الله ﷻ بندگان مؤمنش را به بخشش مال تشویق می‌نماید و نتیجه‌ی آن را اجر بزرگی معرفی می‌فرماید، تا آنجا که بخشش مال در اسلام معادل جهاد در راه الله تعالی می‌باشد. همچنین کسی که در آیاتی که درباره‌ی جهاد آمده است، تأمل نماید، می‌بیند که جهاد با مال

قبل از جهاد با نفس می‌باشد^(۱) و برای اهمیت مال است و این که برای برپا داشتن دعوت و جهاد به آن نیاز می‌باشد.

خواهرم! بدان که درباره‌ی مالی که در دست توست از تو سوال خواهد شد که آن را از کجا بدست آوردی و کجا خرج کردی. پس آن را جز از راه حلال کسب نکن و در خرج نمودن آن اسراف ننما! قسمتی آن را در راه الله تعالی خرج کن! زیرا اوست که این مال را به تو بخشیده است و این مالی که به تو بخشیده است، سه

(۱) مگر در یک آیه از کتاب الله ﷻ که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ﴾ [التوبة: ۱۱۱] (الله [تعالی] از مؤمنان، جانها و مالهایشان را می‌خرد و به جای آن برای آنها بهشت خواهد بود. در راه الله جنگ می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند. وعده‌ای حق است که در تورات، انجیل و قرآن آمده است).

راه مصرف بیشتر ندارد، همان گونه که پیامبر ﷺ فرموده است: «يقول العبد مالی مالی، وإنما له من ماله ثلاث: ما أكل فأفني، أو لبس فأبلى، أو أعطى فاقتنى، ما سوى ذلك فهو ذاهب وتاركة للناس»^(۱) (بنده می گوید: مال من، مال من. مال او فقط به سه دسته تقسیم می شود: آنچه می خورد و فنا می شود یا می پوشد و کهنه می شود یا می بخشد و برای او باقی می ماند. غیر از این موارد، بقیه ی آن از دست می رود و برای مردم می ماند).

معنای آن این است که اگر انسان در زندگی و مالش در این موارد از مال خود استفاده نکند، آن مال از بین رفتنی است و برای وارثان باقی می ماند، به ثبت رسیده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «إِيْكُمْ مَالُ وَارِثَةٍ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؟» (کدام یک از شما مال وارثش محبوبتر از مال خودش است؟) گفتند: ای رسول الله!

کسی از ما وجود ندارد، مگر آن که مال خودش برایش محبوبتر است، فرمود: «فإن ماله ما قدم، وما ل وارثه ما آخر» (مال او آن چیزی است که مصرف می‌کند و مال وارثش آن چیزی است که ذخیره می‌نماید)^(۱).

در رسول الله ﷺ برای ما الگویی نیکو وجود دارد، و بیشتر از همه‌ی مردم صدقه می‌داد و اتفاق می‌نمود. ابوذر رضی الله عنه گفته است: در سنگلاخهای اطراف مدینه با پیامبر ﷺ قدم می‌زدیم، ما به أحد - کوه احد - رسیدیم و پیامبر ﷺ فرمود: «یا أبا ذر» (ای ابوذر!) گفتم: لیبیک یا رسول الله! فرمود: «ما یسرُّنی أن عندی مثل أحد هذا ذهباً تمضی علی ثلاثة أيام وعنودی منه دینارٌ إلا شیء أُرصدہ لدین إلا أن أقول به فی عباد الله هکذا وهکذا وهکذا» (دوست ندارم که به اندازه‌ی أحد طلا داشته باشم و سه روز بر من بگذرد و دیناری از آن نزد

(۱) صحیح بخاری (بخارایی).

من باقی مانده باشد. مگر آن که آن را در راه دین خرج کنم و به بندگان الله بگویم: این چنین و آنچنان [آن را مورد استفاده و انفاق کردن قرار دهند]. از سمت راست و از سمت چپ و از پشت سرش، سپس فرمود: «إن الأكثرین، هم الأقلون يوم القيامة إلا من قال بالمال هكذا وهكذا وهكذا» (کسانی که [در دنیا] بیشتر دارند، در روز قیامت [مال] کمتری خواهند داشت، مگر کسانی که مال را این چنین و آن چنان [در راه الله تعالی] آن را مصرف کنند). از سمت راست و از سمت چپ و از پشت سرش، سپس فرمود: «وقلیل ما هم» (و آنها کم می باشند)... ادامه‌ی حدیث^(۱).

راه بخشش مال در این زمان بسیار آسان میسر می باشد، مخصوصاً که در بیشتر مساجد محلی برای جمع مال برای نیازمندان وجود دارد و حرکت‌های خیریه

(۱) صحیح بخاری (بخارایی).

مطمئن وجود دارند که این مالها را به نیازمندان می-
رسانند و راه‌های زیادی برای رساندن مال به فقیران،
نیازمندان و مجاهدان وجود دارد، همچنین حسابهای
بانکی برای این امر وجود دارد، مخصوصاً برای ارسال
آن به مجاهدین افغانستان^۱. همچنین موسسات خیریه و
انجمنهای دست‌گیریِ نیازمندان نیز موجود می‌باشند و
راه‌ها، وسایل و اسلوبهای زیادی مخصوص یتیمان،
ساخت مسجد، غذا دادن به فقیران و افطاری دادن به
روزه داران وجود دارند. همچنین محله‌های جمع‌آوری
مال برای کمک به دعوت‌گران و آموزش دهندگان دین و
حفر چاه‌های آب وجود دارد، تا آنجا که حتی صندوق-
هایی برای کودکان کوچک در نظر گرفته شده است.
تمامی این موارد انسان را به بخشش مال و زیاد کردن
سخاوت‌مندی و کرم تشویق می‌نمایند.

^۱ - این در زمان جنگ مسلمانان با شوروی کمونسیت بود. (مترجم)

کسی که نیت خیر داشته باشد، راه برای او باز می‌باشد و به غیر از آن است که دفاتر و انجمن‌هایی وجود دارد که دارای برگه‌هایی می‌باشند که مردم آنها را خریداری می‌کنند و از راه مطمئن آن مالها به نیازمندان می‌رسد و آن برگه‌ها قیمت‌های مختلفی دارند و ۱۰۰ ریال سعودی شروع می‌شوند تا آنجا که حتی ۱,۵ ریال سعودی نیز در بین آنها یافت می‌شود. تمامی این موارد مردم را به انجام خیر و بخشش مال تشویق می‌کنند.

هر کس به اندازه‌ی توان و استطاعتش باید انفاق نماید و قسم به الله، می‌ترسم که وجود این راه‌های انفاق مال، حجتی بر علیه ما در روزی که به دیدار الله تعالی می‌رسیم باشد و او در آن روز از ما درباره‌ی شکر نعمتش و روش مصرف آن سوال نماید.

وقتی به شکر الله تعالی، راه برای ما آسان و ممکن می‌باشد، دیگر بهانه‌ای برای خساست و آزمندی

وجود ندارد و تمامی این راه‌ها فضل الله تعالی بر ما می‌باشد. زمانی بر مردم گذشت که آرزو می‌کردند تا کسی پیدا شود که به او صدقه بدهند و این در حالی بود که کسی را نمی‌یافتند [این در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه و عمر بن عبدالعزیز رحمه الله بود] و همچنین زمانی خواهد رسید که این امر تکرار می‌شود [و آن زمان حکومت مهدی عج می‌باشد]^(۱).

شما را برحذر می‌دارم... شما را برحذر می‌دارم:
ای خواهر! تو را برحذر می‌دارم از این که مال کمی را برای صدقه دادن حقیر بینی، حتی اگر شده به

(۱) این امر در آخر زمان ایجاد می‌شود. ابی موسی الأشعری رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنَ الذَّهَبِ ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا يَأْخُذُهَا مِنْهُ...» (برای مردم زمانی می‌رسد که مردی با صدقه‌ای از طلا می‌گردد [تا آن را به کسی صدقه دهد] و کسی را نمی‌یابد که آن را از وی بگیرد). بخاری (بخارایی) و مسلم.

اندازه‌ی یک ریال سعودی. زیرا الله ﷻ برکتی را در مال کم قرار می‌دهد که آن را در غیر آن قرار نمی‌دهد. از این فریب شیطان خودت را حفظ کن! زیرا او می‌خواهد تو را از کار خیر باز دارد. همچنین بدان که الله ﷻ فضلش بسیار می‌باشد و صدقه را هفت صد برابر می‌کند. او می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۱] (مثال کسانی که مالهایشان را در راه الله انفاق می‌کنند، به مانند دانه‌ی [گندمی] است که هفت خوشه از آن می‌روید و در هر خوشه صد دانه به وجود می‌آید و الله [متعال] برای هر که بخواهد زیاد می‌نماید و الله وسعت دهنده‌ی بسیار دانا است).

ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله ﷺ پرسید: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «جهد المقل وابدأ بمن تعول»

(صدقه‌ی شخصی که دارای کمی دارد و با تمام توان خود صدقه می‌دهد و از کسی شروع کن که مسئولیت او به گردن تو می‌باشد)^(۱). جهد المقل به معنای اندازه‌ی توانش می‌باشد و منظور دادن آن از مال کم است. به این معنا که انسان نیازمند باشد ولی با مال اندکی که دارد برای کسب ثواب و کَرَم از الله تعالی و انتظار بخشش از طرف وی، انفاق نماید^(۲). همچنین او ﷺ آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «سبق درهم مائة ألف درهم» (درهمی از صد هزار درهم پیشی می‌گیرد) مردی گفت: آن چگونه ممکن است ای رسول الله؟!

(۱) أبوداود و ابن خزيمة در صحیحش و حاکم گفته است: صحیح به شرط مسلم است، شیخ آل‌بانی گفته است: این حدیث صحیح است، نگاه شود به صحیح الترغیب و الترهیب از آل‌بانی) کتاب الصدقات (۳۷۰/۱) رقم (۸۷۴).

(۲) الترغیب والترهیب از منذری (۲۳/۲).

فرمود: «رجل له مالٌ كثيرٌ أخذ من عرضه مائة ألف درهم تصدق بها، ورجل ليس له إلا درهمان فأخذ أحدهما فتصدق به» ([این در حالتی است که] مردی مال زیادی دارد و صد هزار درهم از آن را صدقه می- دهد و مردی است که غیر از دو درهم ندارد و یکی از آنها را صدقه می دهد)^(۱).

در اینجا پیامبر ﷺ برای ما روشن می نماید که ثواب مالی که از طرف شخص فقیری داده شود، صدها برابر بیشتر از صدقه ای است که ثروتمند آن را می دهد، زیرا ثروتمند از ثروت زیادش می بخشد و از روی زیادی مال انفاق می کند، ولی فقیر این گونه نیست و

(۱) نسائی و ابن خزيمة و ابن حبان در صحیحش آن را آورده اند و این لفظ برای ابن حبان می باشد و حاکم گفته است: این حدیث صحیح به شرط مسلم می باشد. شیخ آلبنانی گفته است: (حدیث حسن است) نگاه شود به صحیح الترغیب والترهیب (۱/۳۷۰) شماره ی (۸۷۵).

بلکه این ایمان به پروردگار شاست که او را دعوت که انفاق کند و در انتظار روزی الله تعالی باشد^(۱). همانا از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که یک خرما را صدقه داد^(۲).

یکی از دعوتگران و مجاهدان یادآور می‌شد که این یک ریالی که آن را کوچک می‌شماریم و از انفاق کردن آن، شرممان می‌آید، توسط آن می‌توان یک گلوله خرید و آن را در سینه‌ی دشمن وارد نمود و برای این امر به شخص صدقه دهنده اجر می‌رسد، یا آن که توسط آن جرعه‌ای آبا به انسان مریض یا تشنه می‌رسد و یا آن که با آن تکه نانی برای یتیمی گرسنه خریداری می‌شود. [بیشتر از یک میلیارد مسلمان داریم، اگر هر

(۱) الترغیب والترهیب از منذری (۲۳/۲).

(۲) نگاه شود به صحیح بخاری (بخارایی) (باب اتقوا النار ولو بشق تمره) (۲۲۵/۳).

کدام از آنها ماهانه تنها یک دلار برای جنگ با اسرائیل انفاق کند، دیگر اثری از اسرائیل نخواهد ماند].

پس شایسته‌ی مسات تا مال کم را حقیر شماریم، زیرا زمانی می‌رسد که آرزوی داشتن کوچکترین حسنه را داریم تا توسط آن ترازوی اعمال ما سنگین شود و اگر از انفاق کردن خودداری کنیم، مالک چنین حسنه‌ای نمی‌شویم و به آرزوی خود نمی‌رسیم.

تأکید من: ای خواهر ما! موسسات خیریه در این سرزمین پاک^۱ مطمئن هستند و کسانی آنان را می‌گردانند که از برادران خیرخواه می‌باشند، کسانی که تلاش خود را در این راه به کار می‌گیرند و اوقات خود را برای رسیدن این مالها و صدقات به نیازمندان، صرف می‌کنند و بعضی از آنها دارای تأییدیه از علماء و مشایخ

^۱ - منظور از سرزمین، کشور مؤلف است. (مترجم)

بزرگ می‌باشند. شما را برحذر می‌دارم از این که به سخنان شایعه پراکنان اهمیت دهیم، کسانی که از رسیدن این مالها به نیازمندان جلوگیری می‌کنند، همان کسانی که الله تعالی آنان را به بخل خساست معرفی می‌فرماید و بلکه به این خساست خود نیز اکتفا نمی‌کنند و به مردم توصیه می‌کنند که بخل داشته باشند و انفاق نکنند. الله ﷻ به بندگان به اندازه‌ی نیت‌های آنها عطا می‌فرماید. مؤمنی نیست که نیت کند تا نیکی را انجام دهد، مگر آن که الله تعالی برای او یک نیکی می‌نویسد و اگر به آن نیت عمل کند، الله تعالی برای او ده حسنه می‌نویسد و برای هر کس که بخواهد بیشتر از آن را نیز در نظر می‌گیرد، شکر برای اوست و منت از طرف او می‌باشد^(۱).

اگر خودتان دارای مال نیستید، دیگران را به

(۱) این امر در حدیث متفق علیه آمده است.

بخشش آن تشویق نماید و برای زنان دیگر فضیلت‌های آن را بیان دارید! فضیلت‌هایی مثل اجر بزرگ آن و نیاز ما به صدقه دادن برای گناهان زیاد، سخن بیهوده و غیبت در مجالس ما؛ با این تشویق نمودن با دیگران در انجام خیر شریک می‌شوید و کسی که به کار خیر دعوت دهد برای ثوابی به اندازه‌ی ثواب انجام دهنده‌ی آن خواهد بود [بدون آن که از ثواب انجام دهنده‌ی آن چیزی کم شود]. آیا نمی‌خواهی کار خیری را انجام دهی، بدون آن که کوشش زیادی نموده باشی؟ اگر می‌توانید در جمعیات خیریه فعالیت کنید و مالها را به نیازمندان آن برسانید و در این صورت است که برای شما ثواب زیادی بدست می‌آید.

دوم: بخشش غذا

ای خواهرم! اگر دارای مال نیستی، کسانی را می‌یابی که برای غذا به تو نیاز دارند. حتماً خواهی گفت: در

این زمان کسی پیدا نمی‌شود که از انسان غذا بخواهد. ولی ما به تو می‌گوییم: بله، ولی دارای برادران و خواهرانی هستی که آرزوی لقمه‌ای پاک برای زندگی دارند، درباره‌ی آن پرس و جو کن و احوال آنها را جویا شو و بدان که اجر تو باقی می‌ماند و در این راه ثابت قدم می‌شوی. همانا روایت شده است از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها که آنها گوسفندی را ذبح نمودند، پیامبر ﷺ فرمود: «ما بقی منها؟» (آیا ز آن چیزی باقی مانده است) گفت: از آن چیزی باقی نمانده است، مگر کتفِ آن. فرمود: «بقی کلها غیر کتفها» (همه‌ی آن باقی مانده است، مگر کتفش)^(۱).

پیامبر ﷺ این گونه سخن گفت، تا به مسلمانان

(۱) ترمذی در کتاب صفة القيامة، باب فضل الصدق (۲۴۷۲) و آلبانی آن را صحیح دانسته است (نگاه شود به صحیح الترغیب والترهیب) (۱/۳۶۰).

پیاموزد که آنچه برای الله تعالی، از بین می‌رود، همان چیزی است که ثواب آن باقی می‌ماند و دارای نعمتی جاویدان و اجری زیاد می‌گردد، الله تعالی می‌فرماید:

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷، ۹۸]

(آنچه نزد شماست، از بین می‌رود و آنچه نزد الله است، باقی می‌ماند و همانا که ما مطمئناً اجر کسانی را که صبر می‌نمایند، بهتر از آنچه انجام می‌دهند به آنها می‌دهیم)^(۱).

درباره‌ی فضیلت غذا دادن، آیات و احادیث بسیاری وجود دارد، یکی از آنها این سخن الله تعالی است که در آن بندگان نیکش را توصیف می‌فرماید:

﴿وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ۸] (و غذا را در حالی که آن را دوست

(۱) الترغيب والترهيب (۶/۲).

می دارند به فقیر، یتیم و اسیر می دهند). همچنین الله ﷻ می فرماید: ﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ﴾ [البلد: ۱۴] (یا غذا دادن در روز قحطی).

اما در این مورد احادیث بسیاری وجود دارد که ما این مجموعه از آنان را انتخاب نموده ایم:

در حدیث قدسی آمده است: «أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا ابْنَ آدَمَ مَرَضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي، قَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أَعُودُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فَلَانًا مَرَضَ فَلَمْ تَعُدْهُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ، يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَطَعْتَكَ فَلَمْ تَطْعَمْنِي، قَالَ: يَا رَبِّ، وَكَيْفَ أَطْعَمُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي، يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَسْقَيْتَكَ فَلَمْ تَسْقِنِي، قَالَ: يَا رَبِّ كَيْفَ أَسْقِيكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فَلَانٌ فَلَمْ تَسْقِهِ، أَمَا

إنک لو سقیتہ وجدت ذلک عندی»^(۱) (اللہ ﷻ روز قیامت می فرماید: ای فرزند آدم! بیمار شدم و به عیادت نیامدی، می گوید: پروردگار! چگونه به عیادت تو بیایم در حالی که پروردگار جهانیان هستی؟ می فرماید: دانستی که فلان بنده ی من بیمار است و به عیادت وی نرفتی و دانستی که اگر به عیادت او می رفتی، مرا نزد او می یافتی. [می فرماید:] ای فرزند آدم! از تو غذا خواستم و به من غذا ندادی. می گوید: ای پروردگار! چگونه به تو غذا دهم در حالی که پروردگار جهانیان هستی؟ می فرماید: همانا دانستی که اگر به فلانی غذا می دادی، آن را نزد من می یافتی. [می فرماید:] ای فرزند آدم! از تو نوشیدنی خواستم و به من ندادی. می گوید: پروردگار چگونه به تو نوشیدنی دهم در حالی که پروردگار جهانیان می باشی؟ می فرماید: فلان بنده ی من از تو

(۱) صحیح مسلم کتاب البر والصلة والآداب (۱/۱۹۹۰) شماره (۲۵۶۹).

نوشیدنی خواست و به او نوشیدنی ندادی و اگر به او نوشیدنی می‌دادی، آن را نزد من می‌یافتی).

از عبد الله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما آمده است: مردی از رسول الله ﷺ پرسید، کدام اسلام بهتر است؟ فرمود: «تَطْعُمُ الطَّعَامِ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ» (غذا بدهی و بر کسی که می‌شناسی و نمی‌شناسی، سلام دهی)^(۱). همچنین پیامبر ﷺ به ما امر فرموده است تا خود را از آتش جهنم حفظ کنیم، حتی اگر شده به اندازه‌ی نصف خرما، فرموده است: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»^(۲) (از آتش جهنم تقوا پیشه کنید، حتی [با صدقه دادن] نصف خرما).

خواهرم! در اینجا نیز پیمودن راه آسان است و جستجوی افرادی که به غذا احتیاج دارند، کار سختی

(۱) متفق علیه.

(۲) متفق علیه.

نمی‌باشد. شما را یادآور می‌شوم تا در خانه‌های قدمی گلی به دنبال آنها بگردید، همان خانه‌هایی که در کوچه‌های تنگ می‌باشند، آنها آنقدر کوچک می‌باشند که خودرو نمی‌تواند از آن عبور کند. درباره‌ی خانه‌های فقیری سوال کن که درب‌های آن باز می‌باشد و در جلوی آنها کودکانی با لباسهای وصله‌دار می‌باشند و کفشهای آن کودکان پاره پاره می‌باشد. این چنین افرادی در هر جایی وجود دارند، حای شهرهای مدرن و پیشرفته. الله ﷻ روزی را بین بندگان، از روی حکمت، عدل و علمش تقسیم نموده است تا آن که ثروتمند شکر نماید و فقیر صبر نماید و در نتیجه‌ی صبرش، پانصد سال قبل از ثروتمندان وار بهشت شود^(۱).

(۱) پیامبر ﷺ فرموده است: «ویدخل الفقراء الجنة قبل الأغنياء بخمسائة

عام» (فقیران پانصد سال قبل از ثروتمندان داخل بهشت می‌شوند)

ترمذی آن را آورده است و گفته است: حدیث صحیح است.

ای کسی که به خاطر الله تعالی خواهر من می-
باشی! تردید نداشته باش که اضافه غذای خودت را
برای آنها بفرستی، مخصوصاً بعد از تمام شدن جشن‌ها،
مهمانی‌ها و عروسی‌ها. شما را به یاد حدیثی می‌آورم
که در صحیحین روایت شده است و در آن فرموده
است: «بئس الطعام طعام الوليمة يُدعى إليها الأغنياء
ويُترك الفقراء» (بدترین غذا، غذای مهمانی می‌باشد، در
آن ثروتمندان دعوت می‌شوند و فقیران کنار گذاشته
می‌شوند). کسی که در احول امروزی ما تفکر نماید، امر
را این گونه می‌یابد که مسلمانان در این زمان تباهی،
تفاخر و اسراف در مهمانی‌ها به این درد دچار شده‌اند،
ثروتمندان و دولتمندان را به آن مهمانی‌ها دعوت
می‌کنند و فقیران و نیازمندان را به حال خود رها
می‌کنند و این در حالی است که در اسلام حقوق
ضعیفان رعایت می‌شود و به آنها اهمیت داده می‌شود،

پس ما مسلمانان باید بیدار شویم [و موافق اسلام عمل کنیم]^(۱).

در جشن‌ها و عروسی‌ها غذای زیادی باقی می‌ماند و اگر مسافتی را طی کنیم تا این نعمت‌ها را به نیازمندان برسانیم، برای ما بهتر است تا آن که متحمل خشم الله تعالی شویم، بر اثر آن که این نعمتها در جایی بیاندازیم که شایسته‌ی آنها نمی‌باشد. همچنین زکات فطر و گوشت‌های قربانی را باید به آنها رساند و آنها هر چه برایشان ببرد قبول می‌کنند و توسط آن شا می‌شوند و برای عطا کننده‌ی آن دعا می‌کنند. همچنین فراموش نکنید که موسسه‌های خیریه‌ای وجود دارد که برای غذا دادن به فقیران در سرزمین‌های مختلف جهان

(۱) نزهة المتقين شرح ریاض الصالحین: تألیف دکتر مصطفی سعید الخن و دکتر مصطفی البغا و محیی الدین مستو و علی الشریحی و محمد أمین لطفی (۲۲۸/۱) مؤسسه الرسالة.

اسلام فعالیت می‌کنند و در کمک کردن به این موسسات خیر بسیاری وجود دارد.

ای خواهرم! این کار را انجام بده و دیگران را برای انجام آن راهنمایی کن! آنه را که در راه الله تعالی بخشش می‌کنیم، کم به حساب نیاورید، حتی اگر مقدار آن کم باشد! شما کسانی هستید که به حسنه‌ای برای ترازوی اعمال نیاز دارید. روایت شده است که مردی که به او گفته می‌شد أبو الخیر، هرگاه خطایی می‌کرد، بجای آن صدقه می‌داد، هر چند صدقه او کوچک بود و حتی به اندازه‌ی یک تکه نان کعک و یا با صله‌ی رحم، این کار را به امید آن انجام می‌داد که او را از ترس‌های روز حساب و کتاب باز دارد^(۱).

(۱) آن را عقبه بن عامر رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کل امرئ فی ظل صدقته حتی یُقضى بین الناس» (هر شخصی زیر سایه‌ی صدقه‌ی خود است تا آن که حکم کردن برای مردم تمام می‌شود)

ای خواهر مسلمانم! بدان که الله ﷻ برای غذا دادن به حیوان اجر بزرگی قرار داده است، پس غذا دادن به انسان حکم آن چه می‌باشد؟ شاید بیاد بیاورید، ماجرای مردی را که سگی را در حالتی یافت که از شد تشنگی نفس نفس می‌زد و او نیز به آن سگ آب داد و در نتیجه‌ی آن الله تعالی از او تشکر نمود و گناهان او را آمرزید و در روایتی او را دخل بهشت نمود^(۱). چه

یزید گفته است: أبو‌الخیر جوانمرد بود و در روزی خطایی نمی‌کرد، مگر آن که چیزی را صدقه می‌داد، حتی به اندازه‌ی یک نان کعک یا با صله‌ی رحم. این حدیث را أحمد و ابن خزیمه و ابن حبان در صحیحشان آورده‌اند و حاکم گفته است: صحیح به شرط مسلم می‌باشد، نگاه شود به الترغیب والترهیب از منذری (۱۶/۲) و شیخ آل‌بانی گفته است: (حدیث صحیح است) نگاه شود به صحیح الترغیب والترهیب (۳۶۶/۱).

(۱) همان گونه که در حدیث متفق علیه آمده است و قسمت «فأدخله الجنة» (او را داخل بهشت نمود) روایت بخاری (بخاری) است.

بسیار گربه‌ها و پرندگانی هستند که از جلوی ما می‌گذرند و چیزی در پس آن نصیب ما نمی‌شود، مگر آن که آنان را می‌کشیم و یا فراری می‌دهیم!! به مانند آن است که ما نمی‌دانیم برای هر جگر زنده‌ای اجرای وجود دارد و یا آن که خود را از آن اجر بی‌نیاز می‌بینیم، برای چه؟ وقتی حکم درباره‌ی حیوانات این گونه می‌باشد، پس برای انسان چگونه خواهد بود؟ و برای مسلمان موحد چگونه خواهد بود؟

در حال حاضر اگر صاحب مال و غذا نمی‌باشید، صاحب لباس می‌باشید و دربه‌های خیر و راه‌های آن زیاد می‌باشد و این دلیل بر بزرگی این دین است. درب خیری وجود ندارد، مگر آن که برای آن راه‌هایی وجود داشته و به سوی آن رغبت ایجاد می‌شود و راه شرّ و آزاری وجود ندارد، مگر آن که ما را از آن برحذر داشته است و از آن نهی نموده است.

سوم: بخشش لباس

ای خواهر مسلمانم! همانا خواهی پرسید که چگونه با بخشش لباس اجر ببرم؟ شما را به یاد حدیث ابن عباس رضی الله عنهما می آورم که رسول الله ﷺ فرموده است: «من کسا مسلماً ثوباً، لم یزل فی ستر الله ما دام علیه منه خیط أو سلک» (کسی که بر مسلمانی لباس بپوشاند، همواره تا زمانی که نخ یا پودی از آن باقی مانده باشد، در پرده ی الله [تعالی] خواهد بود)^(۱). اوصاف پیامب عزیز ﷺ را به یاد شما می آورم که «بخشش و صدقه دوست داشتنی ترین چیز نزد وی بود». از بخشش نمودن بیشتر از آن که چیزی به او داده می شد، شادمان می گردید. او سخاوتمندترین شخص در کارهای خیر بود و دست راست او به مانند باد بخشش

(۱) ترمذی آن را آورده است و حاکم گفته است: صحیح الإسناد می باشد

(نگاه شود الترغیب والترهیب) کتاب اللباس والزینة (۳/۱۱۶).

می‌کرد. اگر نیازمندی نزد او می‌رسید، وی را بر خود برتری می‌داد و چیزی به او می‌بخشید، گاهی غذایش و گاهی لباسش را عطا می‌نمود... او به صدقه امر می‌نمود و به آن تشویق می‌کرد و با حال و سخن به سوی آن دعوت می‌داد... به همین دلیل او دارای گشاده‌ترین سینه، پاک‌ترین جان و پُر نعمت‌ترین قلب در بین مخلوقات بود. زیرا صدقه دادن و انجام کار نیک، تأثیر عجیبی بر گشادگی سینه دارد^(۱).

برای شما سخن خود را با بیان موضعگیری یکی از علمای اسلام، ادامه می‌دهیم، او شیخ العز بن عبد السلام، ملقب به «سُلطان العلماء» بود و این لقب برای قوت و شدت عمل او در اجرای حق بود. درباره‌ی او رحمه الله تعالی آمده است که شبی از خانه‌اش بیرون

(۱) زاد المعاد فی هدی خیر العباد از ابن قیم جوزیه (۲/۲۲، ۲۳) مؤسسه

رفت و بر سرش عمامه‌ای بود، در حالی که در راه می‌رفت، نیازمندی به نزد او رسید و از او درخواست کرد و این در حالی بود که چیزی نزد وی وجود نداشت. در این هنگام بود که عمامه‌اش را برداشت و آن را دو نیم نمود، نصف آن را خودش برداشت و نصف دیگر را به آن گدای فقیر داد. او راه خود را ادامه داد و در این هنگام بود که گدای دیگری از او درخواست کمک کرد، بقیه‌ی عمامه خود را برداشت و آن را به او داد.^(۱)

بل، شیخ رحمه الله تعالی با وجود آن که چیزی نداشت، ولی راضی نشد تا گدا را برگرداند و به او چیزی که به او منفعت می‌رساند را ندهد؛ حتی اگر شده به اندازه‌ی تکه پارچه‌ای.

ای خواهرم! خواهی پرسید که آیا اینجا کسی

(۱) طبقات المفسرین از امام الداودی: (۲/۳۱۰).

وجود دارد که نیاز به لباس داشته باشد و آن را بگیرد؟ به تو می‌گویم: بله، یکی از افراد مطمئن از احوال خواهران مسلمان ما در آفریقا سخن گفت و ماجرای را برا ما بیان نمود که خودش بنفسه آن را مشاهده کرده بود. از خانواده‌ای برای ما سخن گفت که چیزی نداشتند، مگر یک لباس. وقتی زن آن را می‌پوشید و از خانه بیرون می‌رفت، مرد در خانه می‌ماند، مرد برای حفظ حیای خود در خانه می‌ماند و وقتی مرد آن را می‌پوشید و بیرون می‌رفت، زن بدون لباس می‌ماند... این چنین بود که یک لباس را بین خود مبادله می‌نمودند. به طور اتفاقی این شیخ آن مرد را دید و این در حالی بود که او لباس همسرش را پوشیده بود، دلیل آن را از وی پرسید و آن مرد ماجرا را برای او تعریف کرد و این ماجرا را برای ما نقل نمود تا ما را از احوال

برادران و خواهرانمان در آنجا آگاه نمایند^(۱).

پس درباره‌ی کمد‌ها و چوب لباسی‌هایی که بر آنها لباسهای زیادی آویزان است، به طوری که از سنگینی آن لباسها می‌افتند، چه داریم بگوییم؟!!

چگونه به دیدار الله تعالی می‌رسیم، وقتی که از ما درباره‌ی آن سوال می‌نماید و این در حالی است که در کتاب استوار نازل شده‌اش می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ [التكاثر: ۸] (سپس در آن روز از نعمتهای بسیاری [که به آنها داده شده است] سوال می‌شوند).

در برابر الله تعالی در آن روز چه حجتی وجود خواهد داشت برای کسانی که گران‌ترین لباسها را می‌پوشند؟!!

پس وای بر کسانی که اسراف می‌نمایند، از عذابی که در

(۱) این ماجرا را شیخ عبدالرحمن سمیط دبیر کل انجمن مسلمانان آفریقا در نواری که درباره‌ی احوال مسلمان بود، آورده است.

انتظار آنها می‌باشد.

ای خواهر مسلمانم! از این که به مانند این گروه باشی، تو را بر حذر می‌دارم! دایما به خودت یادآوری کن که کالای دنیا از بین رفتنی است آخرت بهتر و باقی‌تر می‌باشد و این را به یاد خودت بیاور که ما از این دنیا نمی‌رویم، مگر آن که مالک چیزی بیشتر از یک کفن و اعمال صالح نیستیم. این دنیا جز چند روزی شمرده شده نمی‌باشد و این سرزمین را ترک خواهیم نمود... پس کوشش نماییم و عملی را انجام دهیم تا در سرزمین خیر استقرار یابیم.

در آخر:

درب‌های خیر - شکر خدا - بسیار زیاد می‌باشند... پس به بخشش مال، غذا و لباس اکتفا نکنید، بلکه فضل الله تعالی کامل‌تر و وسیع‌تر از آن می‌باشد... گفتن کلمه‌ی پاکی صدقه است، کنار زدن چیزهای

مزامح از سر راه صدقه است، تا آنجا که حتی لبخند زدن به مؤمنان صدقه است. بر ماست که برای بدسا آوردن این خیرها کوشش نماییم و نیت خود را صادقانه کنیم و آن را برای الله تعالی خالص گردانیم و الله نسبت به بندگان نزدیکی با آن چیزی می‌باشد که بندگان، آن طور می‌پندارند و کسی که به اندازه‌ی یک وجب به او نزدیک شود، او به اندازه‌ی یک ذراع به او نزدیک می‌شود.

از الله تعالی درخواست می‌نماییم تا برای ما اجر و ثواب بردن را حرام ننماید! ما را از مجاهدانی قرار دهد که در راه او با مالها و جانهایشان جهاد می‌کنند و با سخنان و اعمالشان به سوی وی دعوت می‌دهند! او یآوری برای این امر است و بر آن توانا می‌باشد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلین.

الله أعطى الأغنيا من فضله ما يشتهون
[و این در حالی است که] الله به ثروتمندان از فضل
خودش آنچه را که بخواهند به آنها می دهد
کم من فقير لا ينال
چه بسیار فقیرانی هستند که نمی خوانند
وذو الغنى لا يسألون
و از ثروتمندان درخواستی نمی شود
وتتراه ينظر للأتنام
و او را به گونه ای می بینی که به مردم می نگرد
والجوع يعبث بالبطون
و گرسنگی به شکم فشار می آورد
يا من يشر كل مال
ای کسی که از هر مالی سود می بری
ووراء ريب المنبـون
در کمین او حوادث روزگار در انتظار است
أنفق ولا تخش المال ما فاز إلا المنفقون
انفاق کن و از [کمی] مال ترس، [زیرا] فقط انفاق
نندگان کامیاب می شوند

فاليوم بر وعطاء وبه الملائك يكتبون
اگر امروز نیکی و بخشش وجود داشته بشا و ملائک آن
را بنویسند

وغدا إذا جاء الجزاء لا مال ينفع أو بنون
فردا وقتی پاداش و جزا داده شود، نه مال سود می دهد
و نه فرزندان

يا مسـلمون تصـدقوا
ای مسلمانان صدقه دهید
وتصدقوا يا مسـلمون
و صدقه دهید ای مسلمانان
ولـئن فعلـتم ترزقوا
اگر این کار را انجام دهید، به شما روزی داده می شود
مما يـرزق المتـصدقون^(۱)
به آن چیزی روزی داده می شوید که صدقه دهندگان به
آن روزی داده می شوند.

(۱) تفضل سنبله نوار دوم تولید لجنة الدعوة الإسلامية.